

عنوان مقاله:

حافظ در ترازوی خلاف آمد عادت

محل انتشار:

پژوهشنامه ادب حماسی، دوره 7، شماره 11 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسنده:

ناصر ناصری - عضو هیات علمی دانش گاه آزاد اسلامی واحد خوی، ایران.

خلاصه مقاله:

عصر حافظ، عصر انحطاط اخلاق و از میان رفتن ضوابط سالم در روابط طبقات مختلف مردم، بویژه حاکمان و فرمان روایان و صوفیان و زاهدان است و نابسامانی و هرج و مرج ناشی از ظلم و بیداد حاکم و فرمان روایان از یک طرف و رواج و ریاکاری و خدعه و نیرنگ فقیهان دینی و صوفیان مدعی از طرفی دیگر، سبب سقوط ارزش های اخلاقی و مذهبی شده است و حافظ در بطن این منجلاب فساد و تباهی و نفاق و یاس و به قول خودش در « شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل » گرفتار شده است و به عنوان یک متفکر و مصلح اجتماعی به تمام دردها و فسادها و آفت ها و آسیب های زمانه اشراف دارد و جراح وار با نیشتر انتقاد و طنز می خواهد بیماری های اجتماعی جامعه را بشکافد و با مهربانی بر زخم ها مرهم نهد. برای وصول به این آمال بناچار می بایست زبانی را برمی گزید که از گیرایی و دل نشینی و تاثیرگذاری بیش تر برخوردار باشد و به کالبد واژه های مرده و معتاد و بی روح زبان، جانی تازه ببخشد و با استفاده از ترفندها و هنرهای ادبی، رستاخیزی در عادت های مالوف ذهنی و زبانی ایجاد کند از این رو به ترین مسیر برای مبارزه قلمی با دو قشر حاکمان و صوفیان، چنگ زدن به هنرهایی چون آشنایی زدایی و هنجارگریزی و باورشکنی و عقل ستیزی و تصاویر متناقض نما و بالاخره خلاف عرف و عادت عامه است و کاربرد هنرهای ادبی فوق به صورت گسترده، سبب شهرت و آوازه حافظ شده است که خود می فرماید: از خلاف آمد عادت بطلب کام که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

کلمات کلیدی:

حافظ خلاف آمد عادت آشنایی زدایی دلیل عکس متناقض نما باورشکنی و عقل ستیزی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1541845>

